

### متن پرسش

سلام و عرض ادب امسال راهپیمایی ۲۲ بهمن خیلی شعف و شادی خاصی داشتیم. اصلاً متفاوت از راهپیمایی‌های دیگر بود. به نظر شما چگونه باید آن را تحلیل کنیم؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هنر ما آن است که متوجه باشیم در چه موقعیتی قرار داریم. مردم ما در باطن معنوی خود متوجه آینده‌ای هستند که ادامه انقلاب اسلامی است و نه آینده‌ای که بناست رضا پهلوی و گلشیفته فراهانی و از آن مهم‌تر پرویز ثابتی شکنجه‌گر مشهور ساواک آن را شکل دهند. ملاحظه کردید که راهپیمایان متذکر این امر بودند که بزرگ‌ترین نتیجه انقلاب اسلامی، استقلال ملی است و لذت درک این استقلال، آنان را با همه سختی‌های معیشتی به وفاداری نسبت به انقلاب متعهد کرده است. این‌جا است که باید گفت حقیقتاً انقلاب اسلامی حالتی معماگونه دارد و این امری است که جبهه استکبار متوجه آن نیست.

کجای دنیا چنین امری یعنی بسیج اجتماعی در ابعاد ملی در چنین شرایطی پیش می‌آید که در ۲۲ بهمن‌های هر سال به ظهور می‌آید؟ حتی بعد از ۴۴ سال که از آن ۲۲ بهمن سال ۵۷ گذشته است. هر اندازه انسان نسبت به این شور انقلابی و تعلقی که نسبت به انقلاب در صحنه است؛ فکر کند، جز یک معما برایش پیش نمی‌آید.

راستی را! اگر ارتباطی باطنی در صحنه نیست که به تعبیر حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» همان دست خداوند است، چه کسی می‌تواند بعد از ۴۴ سال، این ملت را به صحنه آورد؟! آیا این حکایت از شروع تاریخی دیگر ندارد؟ تاریخی که دست غیبی و اراده الهی آن را به حرکت می‌آورد؟ و نسبتی عجیب بین امام این مردم و مردم را شکل داده است؟ به طوری که هرکس خود گمشده خود را در امام‌شان می‌یابند. و در هر سالی خود را در نسبت با امام و انقلاب، تجدید می‌کنند تا آن حیات باطنی که با شروع انقلاب اسلامی در جان‌ها زنده شد، زنده و زنده‌تر بماند. آیا انسان تجددزده می‌تواند با این انقلاب همراهی کند؟! در حالی که تنها به منافع اقتصادی‌اش فکر می‌کند؟ و آیا می‌فهمد چرا مردم در چنین شرایطی که شرایط انقباض اقتصادی است، در این صحنه‌ها حاضر می‌شوند؟! مگر این‌که بپذیریم انقلاب اسلامی جزو هویت آن‌ها شده است و با حضور در راهپیمایی‌های این‌چنینی،

من جمعی خود را تجربه می‌کنند و این، امری است ماورای این که انقلاب اسلامی را صرفاً یک نظام سیاسی تلقی کنند.

مردم ما نشان دادند انقلاب اسلامی یک خط تاریخی است که در درون روح ایمانی آن‌ها متولد شده است. و این‌جا است که باید باطن جامعه را در این نوع راهپیمایی‌ها ارزیابی کرد و نه در نظرسنجی‌ها. ملاحظه می‌کنید چگونه در روز ۲۲ بهمن دوگانه شهری و روستایی از بین می‌رود و در شرایطی که به هزار دلیل برای شرکت نکردن مردم، مردم به صحنه می‌آیند. آیا چنین نظامی از طریق اپوزیسیون حقیر خارج کشور، قابل براندازی است؟! در حالی که ملتی در صحنه انقلاب‌اند که این‌چنین در مقابل مشکلات، تاب می‌آورند و باز در صحنه می‌مانند. در حالی که ملاحظه کردید جریان برانداز حتی ۴ ماه نتوانست بدنه اجتماعی خود را نگه دارد. آیا جز این است که دل‌های این مردم در دست خدا است؟ موفق باشید